

شناسایی مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ایران و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار منفی آنها

حسن میرزاخانی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی

ha.mi1348@yahoo.com

عباس نوری

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی (تولید و عملیات)

ریسک سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف یک اقتصاد از جمله بخش صنعت را نمی‌توان در شرایط عادی کاملاً از میان برد. با این حال آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است نحوه اعمال مدیریت دولت‌ها در مواجهه با ریسک‌ها و کاهش آثار سوء آنها برای سرمایه‌گذاران است. تجربه ورود تا گسترش صنایع جدید در ایران، پیوسته مؤید بی‌ثباتی در جذب و نگهداشت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در عرصه تولید صنعتی بوده و در این میان چشمگیر بودن هزینه ریسک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر کاهش علاقمندی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و خارجی به فعالیت در این بخش بوده و همچنان نیز هست. در این تحقیق سعی شده مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران از منابع علمی و گزارش‌های رسمی سازمان‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی ذیصلاح استخراج و تأثیرگذاری هر مؤلفه بر ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش صنعت کشور بررسی و در نهایت راهکارهای عملی برای کاهش آثار سوء ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور ارائه گردد. به منظور مستند بودن نتایج تحقیق، به شیوه مطالعات میدانی و با توزیع پرسشنامه در میان متولیان صنعت و کارشناسان ذیصلاح دستگاه‌های اجرایی مرتبط با سرمایه‌گذاری صنعتی در سطح کشور مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افزایش دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران شناسایی و سپس با رتبه‌بندی مؤلفه‌ها به روش تحلیل سلسله مراتبی AHP مشخص گردید که به ترتیب عوامل بی‌ثباتی در اجرا و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات مرتبط با صنعت، مشکلات پرداخت‌های بخش صنعت بابت مالیات، حق بیمه، تعرفه گمرکی و عوارض، تبعات نوسان شاخص‌های اقتصاد کلان از قبیل تورم و نرخ ارز و ... بیشترین تأثیر را بر نوسان دامنه ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور ایفا نموده‌اند. در پایان بر اساس یافته‌های تحقیق، راهکارهایی به منظور تثبیت محیط کسب و کار و تعدیل آثار سوء مخاطرات سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: ریسک، مخاطره، بخش صنعت، بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری، دولت.

۱. مقدمه

جهان امروز پذیرفته که کاهش فقر در گرو رشد شتابنده و متوازن اقتصادی بوده و این امر جز از طریق افزایش سرمایه‌گذاری^۱ میسر نخواهد بود. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه علاقه اندک عمومی به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد اقتصادی مانعی اساسی در مسیر رشد و در پی آن توسعه اقتصادی به شمار می‌آید (لطیف و اشمیتز، ۲۰۱۰).

ایران به‌عنوان کشوری با منابع و امکانات طبیعی و بالقوه فراوان می‌بایست در مسیر توسعه صنعتی گام بردارد. رهبر معظم انقلاب بخش صنعت را در تعبیری پیشقراول توسعه اقتصادی کشور یاد نموده‌اند، اما با گذشت بیش از ۳ دهه از وقوع انقلاب اسلامی میهن عزیزمان هنوز نتوانسته به‌عنوان کشوری پیشگام در عرصه صنعت و تکنولوژی در میان کشورهای آسیایی مطرح گردد. با این حال امروز کشور در شرایطی قرار دارد که بیش از هر زمانی نیازمند توسعه صنعتی با محوریت بخش خصوصی است. طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، اقدامات انگیزشی و حمایتی متعددی برای رشد سرمایه‌گذاری در کشور صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به پرداخت تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، واگذاری نهاده‌های تولیدی ارزان‌قیمت، معافیت‌های مالیاتی و امثال آنها اشاره نمود. با این حال، نتایج این اقدامات در عمل با انتظارات فاصله زیادی داشت. دلیل این موضوع وجود موانع متعدد بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری است و اگر بدون رفع این موانع و تنها به اتکای اقدامات حمایتی در صدد تحریک بخشی به تولید و سرمایه‌گذاری باشیم، نتیجه آن ایجاد محیطی مصنوعی و ناپایدار در امر تولید و سرمایه‌گذاری خواهد بود که در بهترین شرایط نتایج ناچیزی به همراه دارد. طبق سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور می‌بایست در سال پایانی سند یعنی ۱۴۰۴ از لحاظ اقتصادی به قدرت نخست منطقه تبدیل شویم و این امر خود ضرورت تسریع در توسعه همه‌جانبه کشور از جمله توسعه صنعتی را به اثبات می‌رساند (کریم‌زاده، ۱۳۸۸).

وجود ریسک‌های متعدد و پدیده سرمایه‌گذاری و عوامل محیطی متزلزل که بر بخش‌های تولیدی خصوصاً بخش صنعت تحمیل می‌گردد از موانع اصلی تحقق توسعه در بخش صنعت کشور به‌شمار می‌آید. در این میان، یکی از مسائلی که باید اذعان نمود ناتوانی دولت در عرصه سیاست‌گذاری و مداخله‌های مفید در اقتصاد است که بالطبع از چالش‌های اساسی بخش صنعت کشور به‌شمار می‌آید.

ریسک سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی اساساً به عوامل متعدد بستگی دارد، همچنین محاسبه ریسک سرمایه‌گذاری کشورهای متفاوت نیز شامل روش‌های متنوعی است. بر این اساس مؤسسات و نهادهای خصوصی و بین‌المللی گوناگون با شاخص‌هایی متفاوت نسبت به محاسبه و اعلام ریسک‌های

سرمایه‌گذاری در اقتصادهای متفاوت می‌پردازند. به عنوان مثال، می‌توان به گزارش یورومانی^۱ در مورد ریسک کشورها اشاره نمود که شامل ابعاد مختلفی اعم از مسائل اقتصادی و سیاسی می‌باشد. از این رو نمی‌توان معیاری یگانه و جهان‌شمول برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری کشورها به‌طور عام و ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی به‌طور خاص تعیین نمود. در بررسی ریسک کشورها عواملی همچون ریسک‌های سیاسی، زیرساخت‌های اساسی کشورها، دسترسی به منابع مالی از طریق بانک‌ها و دسترسی به بازار سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد. عواملی که در گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۲ هم بررسی شده است (اسلامی بیدگلی، ۱۳۹۲).

۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نگاهی به آمارهای بین‌المللی مختلفی که برای تعیین وضعیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف وجود دارد، به‌طور کلی گویای جایگاه نامناسب کشور ما در رتبه‌بندی‌های جهانی است. به عنوان مثال در گزارش سال ۲۰۱۴ بانک جهانی^۳ و نهاد بین‌المللی تأمین سرمایه (IFC)^۴ تحت عنوان "انجام کسب‌وکار"^۵ که به بررسی وضعیت سهولت انجام یک فعالیت اقتصادی در میان ۱۸۹ کشور جهان پرداخته است، ایران رتبه ۱۵۲ را کسب نموده که تناسبی با ظرفیت‌های بی‌شمار اقتصاد کشور ندارد. همچنین، در گزارش سال ۲۰۱۲ مجمع جهانی اقتصاد تحت عنوان "گزارش رقابت‌پذیری کشورها" ایران از نظر^۳ شاخص میزان دسترسی به خدمات مالی، سهولت وام‌ستانی از شبکه بانکی و توسعه بازارهای مالی به ترتیب در رتبه‌های ۱۳۵، ۱۴۱ و ۱۲۳ جهانی جای گرفته‌است، همچنین بنیاد هریتیج در گزارش سال ۲۰۰۸ خود رتبه ایران در آزادی اقتصادی را ۱۷۱ از میان ۱۷۹ کشور مورد ارزیابی اعلام نمود که بیانگر سیطره و مداخله بیش از اندازه دولت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی است. فارغ از موانع اقتصادی همچون تورم فزاینده و رکود اقتصادی، برخی مسائل سیاسی همچون وضعیت پرونده هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی، صدور قطعنامه‌های متوالی علیه کشور، نفوذ آمریکا در تصمیم‌گیری‌های جهانی، وضع تحریم‌های یک‌جانبه و تبلیغ احتمال استفاده از گزینه نظامی در مقابل ایران موجب گردیده که ریسک سرمایه‌گذاری در کشور از نگاه نهادهای بین‌المللی طی چند سال اخیر پیوسته افزایش داشته باشد. بر این اساس، ضمن کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی ورود و حفظ سرمایه‌های خارجی نیز با چالش جدی مواجه

1. Euromoney
2. World Economic Forum
3. World Bank
4. International Financing Corporation
5. Doing Business

گردیده است، بنابراین درک مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در کشور با تأکید بر بخش صنعت موضوعی مهم است و از این طریق می‌توان راهکارهایی نیز برای رفع یا تعدیل آثار سوء برخی موانع موجود پیشنهاد نمود.

۳. اهداف تحقیق

هدف از انجام پژوهش حاضر به‌طور کلی شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ریسک سرمایه‌گذاری در کشور با تأکید بر بخش صنعت بوده و در این راستا از شیوه کسب اطلاعات مستند از طریق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و کارشناسان مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری (خبرگان) استفاده گردیده است تا بتوان براساس نتایج یافته‌ها راهکارهایی را برای کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی به سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی کشور ارائه نمود.

۴. محورهای تحقیق

محورهای اصلی تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

- رتبه‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران از نگاه کارشناسان و فعالان اقتصادی و صنعتی کشور
- ارائه راهکارهای اجرایی به منظور کاهش کمی و کیفی آثار سوء ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی بر تمایل بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی به فعالیت در اقتصاد ایران
- محورهای فرعی تحقیق نیز شامل موارد زیر است:
- تحلیل و بررسی ساختار ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ایران
- بررسی موردی مهم‌ترین شاخص‌های جهانی معرف محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری کشور و جایگاه ایران در آنها

۵. نحوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تحقیق

از دیدگاه ساختاری روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کاربردی و عملی است. این پژوهش‌ها با هدف یافتن راه‌حل برای مسئله‌ای خاص به انجام رسیده و معمولاً نتایج حاصل از آنها منجر به رفع مشکل در داخل یک سیستم می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹).

هدف از انجام تحقیق حاضر ارائه راهکارهایی عملی به منظور رفع یا تعدیل آثار سوء ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور بوده و روش کار به این ترتیب است که ابتدا به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و منابع معتبر علمی و گزارش‌های رسمی نهادها و سازمان‌های ذیربط داخلی و

خارجی مهم‌ترین مؤلفه‌های افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت شناسایی و سپس در یک مطالعه میدانی نسبتاً گسترده نسبت به طراحی و توزیع پرسشنامه‌های لازم منطبق با طیف پنج‌وضعیتی لیکرت^۱ اقدام گردید. از مجموع ۴۱۷ پرسشنامه، ۸۰ مورد در میان کارشناسان دستگاه‌های اجرایی مختلف استان مرکزی، ۴۲ مورد در جامعه دانشگاهی استان (رشته‌های مدیریت و اقتصاد) و ۲۹۵ مورد در میان متولیان صنعت مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان توزیع و از آن میان ۳۴۱ پاسخ دریافت شد که ۳۱۷ مورد آنها از قابلیت بهره‌برداری لازم برخوردار بودند. در نهایت، با استفاده از داده‌های گردآوری شده و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM)^۲ و به طور مشخص روش تحلیل سلسله مراتب (AHP)^۳، رتبه‌بندی مهم‌ترین سیاست‌ها و اقدامات اجرایی به منظور کاهش آثار ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی بر تمایل بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی به فعالیت در اقتصاد ایران صورت پذیرفته است.

۶. سنجش روایی و پایایی

از آنجا که در انجام پژوهش حاضر از یک پرسشنامه محقق‌ساخته با ۱۴ پرسش که بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردیده استفاده شده است، می‌بایست روایی ابزار و پایایی نتایج تحقیق مورد آزمون قرار گیرند. برای این منظور از معیار آلفای کرونباخ با استفاده از ویرایش نوزدهم نرم افزار spss استفاده نمودیم که میزان همبستگی درونی پرسش‌های موجود را بر مبنای پاسخ‌های گردآوری شده ۰/۹۲ تعیین نمود که مقدار قابل قبولی است.

۷. پیشینه تحقیق

مائورو (۱۹۹۵) نشان داد که سرمایه‌گذاری خصوصی از فساد، سیستم قضایی و مقررات (محدودیت‌های اداری) تأثیر می‌پذیرد. وی این متغیرها را در شاخص ویژه‌ای گردآورد و آن را شاخص کارآمدی دستگاه اداری نامید. به طور کلی این عوامل می‌توانند به افزایش دامنه ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف منجر گردند (رهبر، خامنه و محمدی، ۱۳۸۶).

سروواتو و جیارامان (۲۰۰۱)^۴ در پژوهشی به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری کشورهای کمتر توسعه‌یافته با نگاه ویژه به کشور فیجی پرداختند. نتایج تحقیق ایشان که قابل تسری به بسیاری از کشورهای با ساختار اقتصادی مشابه است بیانگر تأثیرپذیری منفی و معنادار سرمایه‌گذاری بخش

1. Likert Scale
2. Multiple-Criteria Decision-Making
3. Analytical Hierarchy Process
4. Seruvato and Jayaraman

خصوصی این کشورها از عوامل بازدارنده همچون ضعف قوانین و مقررات، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، فساد و ارتشا و سایر عواملی است که موجب افزایش هزینه ریسک در کشور مورد مطالعه گردیده است (صامتی و فرامرزیور، ۱۳۸۳).

کافمن، کرای و زویدولوبتون^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقات خود با استفاده از یافته‌های مؤسسات بین‌المللی برآوردکننده ریسک و ادغام و تلفیق آنها شاخص‌هایی را برای حکمرانی خوب بیان نمودند که به‌عنوان مثال عبارتند از حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارآمدی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد (رهبر، خامنه و محمدی، ۱۳۸۶).

بائوم و مورای (۲۰۱۰) در پژوهشی مشترک به بررسی مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه پرداختند. آنها موانع را به ۲ دسته رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی نمودند. بر اساس یافته‌های ایشان مهم‌ترین موانع رسمی سرمایه‌گذاری در کشورهای مورد مطالعه شامل محدودیت حساب سرمایه، موانع قانونی، مشکلات نظام مالیات‌ستانی و موانع غیررسمی شامل ریسک‌های سیاسی، نهادها، عدم حاکمیت قانون، فساد اداری، عدم ثبات اقتصادی و ریسک‌های ارزی بود. در مجموع دو دسته موانع رسمی و غیررسمی معرف میزان ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف می‌باشند.

رهبر، خامنه و محمدی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای مشترک به بررسی موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند و با استفاده از شاخص ترکیب امنیت سرمایه‌گذاری که هم از برآوردهای مؤسسه PRS و هم نظرات متخصصان داخلی حاصل شده اثبات می‌نمایند که ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری و به تبع آن افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به رشد اقتصادی منجر خواهد شد.

طبری و محمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان "موانع توسعه نظام اداری در کشورهای در حال توسعه" به بررسی موانع موجود در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، اداری، سیاسی، فرهنگی و حقوقی پرداخته و عواملی چون تقلیدی بودن الگوهای مدیریتی، بازدهی اندک و ناکارآمدی نظام اداری، نظام ناشایستگی در مدیریت منابع انسانی، فساد اداری و دیوانسالاری مهارکسیخته را عوامل افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه عنوان نموده‌اند. در واقع، نوع نگرش آنها مبتنی بر محوریت اصلاح نظام اداری در بهبود محیط کسب و کار کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

آهنگری و سعادت‌مهر (۱۳۸۷) با استفاده از شاخص امنیت سرمایه‌گذاری تحت عنوان راهنمای ریسک سرمایه‌گذاری کشورها (ICRG)^۲ محاسبه شده توسط شورای کسب و کار بین‌المللی آمریکا

1. Kaufmann, Kraay and Zaido-Labatton
2. Investment Country Risk Guide

(IBC)^۱ به ارائه مدلی از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران طی سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۶۳) می‌پردازند. براساس نتایج حاصل طی دوره زمانی مورد مطالعه رابطه معنادار منفی بین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ریسک سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد، به طوری که یک واحد افزایش در ریسک سرمایه‌گذاری به کاهش حدود ۰/۲۲ واحدی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد انجامید.

کریم‌زاده (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی موانع تولید در ایران پرداخته و از آنها تحت عنوان "عوامل افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری" در کشور یاد می‌کند. در تحقیق وی بیشتر بر جنبه‌های قانونی و موانع نظام حقوقی تأکید گردیده است. وی با استفاده از یافته‌های تحقیق راهکارهایی نیز به منظور تعدیل ریسک سرمایه‌گذاری در کشور ارائه می‌نماید که مهم‌ترین آنها عبارتند از اصلاح و به‌روز رسانی مقررات و قوانین، اصلاح نظام نظارت دولتی بر بخش خصوصی، مبارزه با قاچاق کالا و ارز و موارد مشابه دیگر.

کمیجانی و مجاب (۱۳۹۰) در پژوهشی مشترک به بررسی آثار نااطمینانی حاصل از تورم بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران پرداختند. از نظر ایشان اقدامات و سیاست‌گذاری‌های دولت به دلیل آثار تورمی که در پی دارد ممکن است موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و در پی آن کاهش تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور گردد.

بحرینی و ملک‌الساداتی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران" به بررسی محیط کسب و کار ایران و مقایسه آن با سایر کشورها پرداختند و براساس نتایج حاصل احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در ایران در خصوص پیش‌بینی ناپذیری تغییرات در قوانین و سیاست‌ها، متعهد و پایبند نبودن دولت به سیاست‌های اعلام‌شده به بازی گرفته‌نشدن سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در فرایند وضع قوانین و سیاست‌های جدید، لغو ناگهانی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری توسط دولت، بروز تغییرات اساسی در قوانین و سیاست‌ها پس از هر انتخابات (در صورت تغییر دولت) و چندین عامل دیگر را به عنوان مؤلفه‌های اصلی افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور معرفی نمودند.

۸. تشریح مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در تحقیق

۸-۱. ریسک

هر چند تعابیر متفاوتی در تعریف ریسک به کار رفته، با این حال محتوای تمام این تعاریف یکسان است. برای نمونه مؤسسه بین‌المللی مدیریت پروژه (PMI)^۲ ریسک را یک واقعه یا رویداد غیرمسلّم که در صورت بروز یک یا چند هدف از اهداف پروژه را متأثر می‌سازد، تعریف نموده است. در تعریفی

1. International Business Council
2. Project Management Institute

دیگر کندریک^۱ هر عامل غیرقطعی همراه با کار را ریسک نامیده و آن را حاصلضرب دو عامل نتایج قابل انتظار یک رویداد و شانس وقوع آن رویداد بیان می‌نماید (کندریک، ۱۳۸۸).

۸-۲. سرمایه‌گذاری

اقتصاددانان در تعریف و اهمیت سرمایه‌گذاری اتفاق نظر ندارند، حتی در ابعاد و نقش آن نیز برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. در اینجا به برخی از تعاریف ارائه شده از این مفهوم اشاره می‌کنیم. فرهنگ لغات تخصصی کمبریج^۲ اصطلاح سرمایه‌گذاری را هرگونه صرف زمان، انرژی، وقت، تلاش و نهاده‌هایی اقتصادی از این قبیل، با هدف کسب سود یا مزیت و منفعتی در زمان آتی تعریف می‌نماید. دایره‌المعارف معتبر بریتانیکا^۳ در یک تعریف مشابه سرمایه‌گذاری را چشم‌پوشی از مصرف یک دارایی در زمان حال و به جریان اقتصادی انداختن آن به منظور کسب عواید بیشتر در زمان آینده دانسته و این فرایند را نتیجه انتظارات در آمدی مطلوب‌تر سرمایه‌گذار در زمان آتی می‌داند. تفضلی سرمایه‌گذاری را فرایندی تعریف می‌نماید که در آن کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالاها و یا خدمات دیگر به کار می‌روند (تفضلی، ۱۳۷۳).

دورنبوش و فیشر^۴ سرمایه‌گذاری را هرگونه تغییر در ذخایر سرمایه تعریف می‌نمایند. در تعریف آنها شیوه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری ثابت کسب و کار (که شامل مخارج بنگاه‌ها در ماشین‌آلات بادوام، تجهیزات و سازه‌هایی نظیر کارخانه‌هاست)، سرمایه‌گذاری در مسکن (که عمدتاً سرمایه‌گذاری در خانه‌های مسکونی را شامل می‌شود) و در نهایت سرمایه‌گذاری در ذخایر انبار (یا همان کالاهایی که بنگاه‌ها و تولیدکنندگان در انبار نگهداری می‌نمایند، مانند مواد، ملزومات، کالاهای در جریان ساخت و کالای ساخته شده) می‌باشد.

۹. رابطه میان ریسک و سرمایه‌گذاری خصوصی

هرچند مکاتب مختلف اقتصادی از جمله کلاسیک‌ها، کینزین‌ها و نئو کلاسیک‌ها^۵ روش‌های گوناگون و متغیرهای متنوعی برای برآورد تابع سرمایه‌گذاری پیشنهاد نمودند، با این حال تمام آنها بر اهمیت و تأثیرگذاری ریسک به‌عنوان یک عامل کیفی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری اشخاص تأکید نموده‌اند.

1. Kendrick

2. Cambridge Advanced Dictionary & Thesaurus

3. www.britannica.com

4. Dornbusch and Fischer

۵. اقتصاددانان کلاسیک (Classics) از جمله آدام اسمیت و ریکاردو بیشتر بر جنبه‌های نرخ بهره و سود حاصل از سرمایه‌گذاری تأکید داشته و با قبول فرض تصمیم‌گیری عقلانی به‌طور کلی سرمایه‌گذاران را ریسک‌گریز می‌دانستند. کینزین‌ها با قبول اهمیت نرخ بهره بر اهمیت بازده داخلی و بازدهی نهایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ترجیحات سرمایه‌گذاران تأکید نمودند. نئو کلاسیک‌ها (Neo-Classics) و از جمله جورگسون و توین برای نخستین بار ریسک را به‌صورت کمی در برآورد تابع سرمایه‌گذاری وارد نمودند.

به‌طور کلی هر سرمایه‌گذاری بر دو پایه استوار است، نخست ریسک و عامل دیگر بازدهی حاصل از سرمایه‌گذاری. مطابق تئوری کنش عقلانی فرد زمانی به سرمایه‌گذاری مبادرت می‌ورزد که حد مطلوبی از ریسک و بازدهی برای او تأمین شده باشد، در غیر این صورت انجام سرمایه‌گذاری برای او مطلوب نخواهد بود. به‌عبارت دیگر، بازدهی و امنیت دو عامل اصلی در تصمیم برای سرمایه‌گذاری است. به‌عنوان مثال، اگر یک سرمایه‌گذار باور داشته باشد که نرخ بازده فعالیت‌های تولیدی کمتر از نرخ سود اوراق مشارکت یا نرخ سود بانکی است به‌طور قطع در فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌گذاری نخواهد کرد، اما اگر انتظار بازدهی بیشتری داشته باشد با پذیرش حد معینی از ریسک وارد فعالیت تولیدی خواهد شد. سرمایه‌گذاری از موضوعات مهمی است که به معنای عام خود می‌تواند سرچشمه همه تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه باشد. از این جهت در مباحث توسعه اقتصادی گفته می‌شود سرمایه‌گذاری مستمر لازمه رشد و توسعه هر اقتصاد پویا است.

۱۰. تجربه توسعه صنعتی در ایران

می‌توان ادعا نمود نخستین گام توسعه صنعتی در ایران نهضت ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۳۳۲ است. این امر ایران را از نظر دسترسی به منابع نفتی خود مستقل‌تر از گذشته نمود تا عواید حاصل از فروش نفت را در مسیر توسعه کشور قرار دهد. تا اوایل سده بیستم، ناتوانی دولت سنتی قاجار در پیشبرد اهداف توسعه‌ای و عدم ضابطه‌مندی تجارت مانعی اساسی در جهت حمایت از صنایع نوپای داخلی شد و به همین دلیل نخستین تجربه کشور در زمینه صنعتی شدن به شکست انجامید. در دوره بین ۲ جنگ جهانی، دولت ایران نوسازی شد و نقش توسعه خود را از طریق اصلاح نظام اداری و مالی و پولی کشور، تأمین امنیت داخلی و وضع قوانینی که موجب تحکیم حقوق مالکیت بود در اقتصاد کشور ایفا نمود. در این دوره بنیاد صنایع ماشینی ایران استوار گردید، اما در فاصله سال‌های (۱۳۳۲ - ۱۳۲۰) اشغال ایران توسط متفقین، اختلال در تجارت جهانی در سال‌های جنگ، بی‌ثباتی مزمن سیاسی و اقتصادی به‌دلیل ضعف دولت مرکزی و تحریم نفتی کشور به دلیل تمایل ایران به ملی نمودن صنعت نفت خود با رشد سریع صنعتی منافات پیدا کرد. همچنین، در سال‌های (۱۳۵۷ - ۱۳۳۴) قرار گرفتن ایران در حوزه نفوذ غرب و افزایش کمک‌های خارجی و درآمدهای نفتی موجب تحکیم پایه‌های قدرت دیکتاتوری در کشور شد. در این دوره بود که با ایجاد سازمان برنامه‌بودجه و اجرای ۴ برنامه عمرانی، دولت به سرمایه‌گذاری عظیم برای ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی اقدام و از شکل‌گیری و توسعه قدرت اقتصادی طبقه جدید سرمایه‌داران صنعتی حمایت نمود (برادران شرکاء و هادی‌زنوز، ۱۳۸۲).

پس از انقلاب اسلامی و با پایان دوران هشت‌ساله جنگ، برنامه‌های مدونی برای توسعه

اقتصادی و صنعتی کشور تحت عنوان قوانین برنامه توسعه اقتصادی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب گردید و به اجرا درآمد. در اواسط اجرای قانون برنامه چهارم توسعه، مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی که مانعی مستحکم در مسیر ورود بخش خصوصی به بسیاری از حوزه‌های تولیدی و صنعتی محسوب می‌شد مورد تفسیر قرار گرفت و از این رهگذر زمینه ورود بخش خصوصی به بسیاری از فعالیت‌های صنعتی که تا پیش از آن مقدور نبود، فراهم گردید. با این حال وجود مشکلات عدیده در محیط کسب و کار کشور و عوامل خارجی که منجر به بی‌ثباتی در عرصه اقتصاد کشور می‌شد، مانع از تحقق اهداف متعالی برنامه خصوصی‌سازی در کشور گردید. در حال حاضر در سال‌های میانی برنامه پنجم توسعه و سند راهبردی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور هستیم. این در حالی است که هنوز نتوانسته‌ایم به دستاورد قابل ملاحظه‌ای در بخش صنعت کشور دست یابیم.

۱.۱. انواع ریسک

به‌طور کلی می‌توان ریسک‌ها را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود.

۱-۱-۱. ریسک‌های سیستماتیک

ریسک سیستماتیک^۱ احتمال تغییر در نرخ بازده سرمایه‌گذاری است که به‌دلیل عوامل غیرقابل کنترل (محیطی) نظیر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم به وجود می‌آید. این شرایط تنها روی یک نوع سرمایه‌گذاری خاص تأثیر ندارد بلکه انواع مختلف سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین سرمایه‌گذار نقشی در کنترل یا هدایت آن نداشته و ناگزیر از رویارویی با آن می‌باشد. ریسک‌های سیستماتیک خود دارای انواعی است که مهم‌ترین آنها در ادامه به اختصار تشریح می‌شوند.

۱-۱-۱-۱. ریسک بازار^۲

این ریسک به تغییر قیمت سهام به‌دلیل تغییر دیدگاه سرمایه‌گذاران اطلاق می‌شود. تغییر در توقع سرمایه‌گذاران عمدتاً ناشی از وقوع حوادث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، البته گاهی مسائل روانی نیز موجب این تغییر می‌شود. به عنوان مثال، فروش یکباره سهام توسط یک سرمایه‌گذار عمده موجب می‌شود سایر سرمایه‌گذاران نیز احساس خطر نمایند که در نتیجه این روند فروش سهام تشدید شده و سرانجام کاهش عمومی قیمت‌ها حاصل گردد.

1. Systemic Risk
2. Market Risk

۱۱-۲-۱. ریسک نرخ بهره^۱

این ریسک به تغییر سطح عمومی نرخ بهره گفته می‌شود. دلیل اصلی تغییر نرخ بهره تغییر در نرخ بهره اوراق قرضه دولتی که تقریباً بدون ریسک هستند، می‌باشد. با افزایش نرخ بهره اوراق قرضه دولتی، از آنجا که سرمایه‌گذاری بدون ریسک با نرخ بالاتری میسر می‌شود مطلوبیت بیشتری را برای سرمایه‌گذاران در این اوراق به وجود می‌آورد و در پی آن بخشی از سرمایه‌هایی که پیش از آن در زمینه‌های دیگر، به‌عنوان مثال سهام یا اوراق قرضه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری شده به خرید این اوراق اختصاص می‌یابد و موجب می‌گردد ارزش سهام یا اوراق قرضه شرکت‌ها کاهش یابد.

۱۱-۳-۱. ریسک قدرت خرید^۲

ریسک بازار و ریسک نرخ بهره به‌طور مستقیم معرف عدم اطمینان در دریافت پول مورد انتظار و در نتیجه عدم اطمینان در نرخ بازگشت سرمایه هستند. ریسک قدرت خرید عدم اطمینان از قدرت خرید متناظر با پول دریافتی است. به عبارت دیگر، با فرض اینکه نرخ بازگشت سرمایه مورد انتظار محقق شود تا چه حد این نرخ می‌تواند کاهش قدرت خرید حاصل از تورم در جامعه را پوشاند.

۱۱-۴-۱. ریسک نرخ برابری ارزها^۳

شرایط اقتصادی کشورها از طریق نرخ برابری ارز بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. بازده سرمایه‌گذارانی که متأثر از نرخ برابری ارز است همواره با تغییر این نرخ برابری تغییر خواهد کرد.

۱۱-۲. ریسک‌های غیرسیستماتیک

ریسک غیرسیستماتیک^۴ بخش دیگری از ریسک کل است که تنها یک صنعت یا یک شرکت خاص را در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال توان مدیریت و انعطاف‌پذیری در یک شرکت تنها در بازده سرمایه‌گذاری سهام آن شرکت تأثیر دارد یا اینکه اعتصابات کاری در یک صنعت تنها آن صنعت خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینگونه عوامل از نظر سرمایه‌گذار، قابل کنترل است؛ چراکه سرمایه‌گذار قادر است با تشخیص آنها سرمایه‌خویش را از یک شرکت به شرکت دیگر یا از یک صنعت به صنعت دیگر منتقل کرده یا اینکه با توزیع سرمایه‌خویش در صنایع مختلف ریسک مذکور را به حداقل برساند. در حالی که در مقابله با عوامل ریسک سیستماتیک، از آنجا که

1. Interest Rate Risk
2. Purchasing Power Risk
3. Exchange Rate Risk
4. Unsystematic Risks

این عوامل بازده انواع متفاوت سرمایه‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند سرمایه‌گذار به راحتی نمی‌تواند از آن اجتناب ورزد. ریسک غیرسیستماتیک خود به دو بخش تقسیم می‌شود که در ادامه به صورت خلاصه به هر یک اشاره می‌گردد.

۱۱-۲-۱. ریسک تجاری^۱

این ریسک به آثار شرایط عملیاتی که یک شرکت با آن مواجه است در میزان درآمد (ناخالص) شرکت اطلاق می‌شود. عدم استقبال مشتریان از یک محصول، ورود رقبای جدید، تولید محصولات مشابه، ورود تکنولوژی‌های جدید در تولید محصول، تغییر قیمت فروش و تغییر هزینه مواد اولیه شرایطی هستند که بر درآمد و به تبع آن ریسک تجاری شرکت تأثیر می‌گذارند. به این ترتیب همواره شرکت‌ها برحسب شرایط عملیاتی که با آن مواجه هستند نوعی عدم اطمینان در عایدی خود خواهند داشت. اینکه یک شرکت تا چه حد از چنین شرایطی متأثر است تا حد زیادی به ساختار مدیریتی و عملیاتی شرکت‌ها بستگی دارد.

۱۱-۲-۲. ریسک مالی^۲

این ریسک به تأثیر بافت سرمایه یک شرکت در میزان عایدی هر سهم اطلاق می‌شود. منظور از بافت سرمایه چگونگی ترکیب سرمایه صاحبان سهام و حجم بدهی‌ها است. بیشتر گفته شد که ریسک تجاری تغییرات عایدی قبل از بهره و مالیات در اثر شرایط عملیاتی است. با کسر مالیات و بهره بدهی‌ها سود قابل تقسیم مشخص و در نهایت عایدی هر سهم تعیین می‌گردد. در صورتی که حجم بدهی در بافت سرمایه زیاد باشد مبلغ عایدی هر سهم به شرایط عملیاتی حساس‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، وجود بدهی عاملی تشدیدکننده در نوسانات عایدی هر سهم است. در صورتی که شرایط عملیاتی مطلوب باشد وجود بدهی افزایش مضاعفی در عایدی هر سهم به وجود می‌آورد و اگر شرایط عملیاتی نامطلوب باشد وجود بدهی کاهش عایدی هر سهم را تشدید می‌نماید.

۱۲. دسته‌بندی عوامل مؤثر بر ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی

همانگونه که عنوان شد ریسک‌ها در بخش صنعت به دو دسته ریسک‌های سیستماتیک و غیرسیستماتیک تقسیم می‌شوند. ریسک‌های سیستماتیک به‌طور عام از جنبه کلان مطرح و دایر بر عوامل محیطی هستند که خارج از توان اداره و کنترل بنگاه‌های تولیدی می‌باشند. از سوی دیگر، ریسک‌های غیرسیستماتیک اکثراً از طریق اعمال مدیریت صحیح ریسک توسط بنگاه‌های اقتصادی

1. Business Risk
2. Financial Risk

قابل تعدیل بوده و در مواردی نیز می‌توانند به فرصت تبدیل شوند. در پژوهش حاضر عوامل افزایش ریسک در بخش صنعت به ابعاد کلان مسئله اشاره دارد - در واقع بخش‌هایی از ریسک و مخاطره که دولت‌ها نقشی محوری در تعدیل و کنترل آنها دارند - امروزه نهادهای بین‌المللی بسیاری از جمله بانک جهانی، بنیاد هریتیج، مجمع جهانی اقتصاد، مؤسسه تأمین مالی آمریکا و واحد پایش مجله اکونومیست به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر محیط کسب و کار، مزیت‌ها و مخاطرات، دشواری و سهولت، آزادی و بوروکراسی انجام کسب و کار در کشورها می‌پردازند. بر اساس تمام این شاخص‌ها وضعیت فعلی اقتصاد ایران تناسبی با ظرفیت‌های بی‌شمار کشور نداشته و همچنین علیرغم رشد نسبتاً مناسب میزان سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده ایران طی چند سال اخیر همچنان سهم ایران از کل سرمایه‌گذاری خارجی بین‌المللی بسیار ناچیز است (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۳).

حال با استفاده از چارچوب نظری موضوع مورد بحث و مطالعات صورت پذیرفته به دسته‌بندی مهم‌ترین عوامل نهادی و ساختاری که بر ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران افزوده‌اند، می‌پردازیم. عوامل مؤثر بر ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران را می‌توان در چند دسته کلی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود.

۱۲-۱. عوامل حقوقی

نخستین بار، برون‌تی، کیسانکو و ودر^۱ محققان بانک جهانی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ با طراحی شاخصی برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد به قوانین و محاسبه آن در بیش از ۷۰ کشور نشان دادند کشورهایی که قوانین در آنها کمتر قابل اعتماد است، سرمایه‌گذاری و رشد کمتری را تجربه می‌نمایند. قوانین و مقررات جاری اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و ... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آنها از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب و کار در هر کشور به‌شمار می‌روند. برخی کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها - و تغییرات پایایی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها - رنج می‌برند. حضور چنین پدیده‌ای در یک کشور مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب و کار در آن کشور است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر مناسب سیاست‌ها و قوانین منبث از آنها در یک اقتصاد و نیز قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی این احساس را در آنها تقویت می‌نماید که در محیطی امن و پیش‌بینی‌پذیر قرار دارند (بحرینی، ۱۳۸۹).

1. Aymo Brunetti, Gregory Kisunko and Beatrice Weder

۱۲-۲. عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی از جمله تورم، حجم سرمایه‌گذاری صورت‌پذیرفته در اقتصاد، نرخ ارز و سایر متغیرهای اقتصادی از مؤلفه‌های اساسی می‌باشند که ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران را مانند سایر کشورها تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. به‌طور کلی، تورم عامل اخلاک‌گرا اقتصادی است که تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را متأثر می‌سازد، همچنین در اقتصادهای در حال توسعه عموماً ماهیت وابسته صنایع به واردات ماشین‌آلات و دانش فنی از خارج موجب می‌گردد سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ ارز به شدت حساس باشد. همچنین، وجود شفافیت اقتصادی و ارائه آمار و اطلاعات صحیح از وضعیت اقتصادی کشور می‌تواند به کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری به‌خصوص در بخش صنعت کشور کمک شایانی بنماید.

به‌طور کلی، عکس‌العمل واحدهای اقتصادی در خصوص تغییرات منظم و پایدار یک متغیر با هزینه کمتر و اطمینان بیشتر صورت می‌گیرد، اما زمانی که این تغییرات به‌صورت ناپایدار و نامنظم انجام می‌شوند شرایط نامطمئن را ایجاد می‌نمایند که تحت این شرایط تصمیم‌های اقتصادی با مخاطره و هزینه بیشتری همراه خواهند بود. از این رو کنترل متغیرهای اقتصادی به منظور تعدیل نمودن تأثیر آنها بر سایر متغیرهای اقتصادی از جمله جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (هادیان و وهام، ۱۳۸۹).

۱۲-۳. عوامل سیاسی

عوامل سیاسی را می‌توان به دو سطح تقسیم نمود. نخست عوامل سیاسی داخلی و دوم روابط بین‌المللی کشور. در عرصه داخلی شاهدیم که تغییر در سطوح مدیریتی عالی موجب تغییر در نگرش‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌گردد. به‌طور کلی هرگونه تغییر نهادی بر دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت خواهد افزود، همچنین با نزدیکتر شدن روابط کشورهای جهان و توسعه همکاری‌های بین‌المللی امروزه کشورها بیش از هر زمانی بر هم تأثیر گذاشته یا از هم تأثیر می‌پذیرند. به دلایل سیاسی طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با بسیاری اقتصادهای توسعه‌یافته کاهش چشمگیری داشته‌است. از منظر سرمایه‌گذاران خارجی این موضوع بر ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران افزوده است.

شواهد تاریخی از افزایش فرار سرمایه‌ها در زمان وقوع انقلاب، آشوب‌ها و ناامنی‌ها، وجود جو ناپایدار سیاسی، تنش‌های قومی، درگیری‌های داخلی و خارجی، برخوردها و رقابت ناسالم جناح‌های سیاسی و ضعف پاسخگویی دولت در برابر مردم و نهادهای مردم‌سالار حکایت دارند.

سرمایه‌دار اگر احساس نماید نظام حاکم بر جامعه دچار دودستگی شده یا اقتدار لازم برای تسلط بر ناآرامی‌ها یا فشارها را ندارد به سرعت از محیط خارج می‌شود و به کشوری که میزبان مناسب‌تری است روی می‌آورد. در نتیجه می‌توان گفت موانع غیراقتصادی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در عدم کارایی و سیاست‌های حمایتی دولت در تشویق سرمایه‌گذاری داشته باشند. از این رو، موفقیت یا عدم موفقیت این سیاست‌ها، مشروط به ایجاد شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مناسب در کشور است، اما به هر حال سیاست‌گذاری و تصویب قوانین و اقدام برای ایجاد امنیت سیاسی و جلوگیری از تنش‌ها به ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری کمک خواهد نمود (رهبر، خامنه و محمدی، ۱۳۸۶).

۱۲-۴. عوامل اداری (دیوانسالاری‌های لجام‌گسیخته)

در واقع منطقی و استدلال اعطای مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی، تسهیل آغاز فعالیت، حمایت از ایمنی و سلامت عمومی است. با این وجود، در عمل مراحل دشوار اخذ مجوز و پیچیدگی‌های فراوان مقررات و رویه‌های اداری در صدور این مجوزها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب بالا رفتن هزینه، زمان و در پی آن مخاطرات فعالیت اقتصادی در بخش رسمی گردیده و زمینه فعالیت در بخش غیررسمی به منظور فرار از موانع اداری را فراهم می‌نماید. می‌توان گفت سردرگمی فعالان اقتصادی برای اخذ مجوز و دریافت استعلام‌های گوناگون و پراکندگی سازمان‌ها و مؤسسات تعیین شده برای صدور مجوزها و همچنین زمان طولانی برای دریافت این مجوزها از موانع مهمی است که موجب نگرانی و تردید فعالان اقتصادی برای آغاز فعالیت و کسب مجوز در کشور ایران می‌باشد (شیرکوند، ۱۳۹۰).

۱۲-۵. عوامل اجتماعی و فرهنگی

هر کسب و کار و فعالیت اقتصادی ناگزیر در یک نظام اجتماعی فعالیت می‌کند. از این رو الگوهای اجتماعی اعم از مذهب، عقاید و باورهای عمومی و نوع زندگی افراد جامعه هم بر ریسک سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد تأثیر می‌گذارد و هم می‌تواند بر فرهنگ جامعه تأثیرگذار باشد. در تئوری مصرف‌نمادین^۱ لوی معتقد است که کالاها حاوی نمادهایی هستند که متناسب با تأمین نیازهای جامعه خود را نمایش می‌دهند. بنابراین درک محیط فرهنگی و اجتماعی می‌تواند آثار مثبت بسیاری را برای متولیان سرمایه‌گذاری در پی داشته باشد. از سوی دیگر عدم وجود چنین درکی می‌تواند بر دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری بیفزاید (وحدت‌کار، ۱۳۹۲).

۱۲-۶. سایر عوامل

این عوامل شامل مواردی چون شرایط اقلیمی، میزان توسعه‌یافتگی بخش صنعت، میزان دموکراتیک بودن حکومت، وجود زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری و بی‌شمار عوامل محیطی دیگر است که می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارند.

۱۳. معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های افزایش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران

بالطبع نمی‌توان تمام عواملی را که موجب ایجاد محیط مخاطره‌آمیز برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت یک کشور می‌شوند به سادگی شناسایی و شمارش نمود. با این حال، خوشبختانه اهمیت شناخت این موارد که به‌طور کل از آنها به‌عنوان مشکلات و موانع سرمایه‌گذاری نام برده می‌شود موجب گردیده پژوهشگران کشورهای مختلف از جمله ایران بررسی‌های میدانی متعددی در این زمینه انجام دهند. همچنین، نهادهای بین‌المللی متعددی نیز نسبت به شناسایی مشکلات کسب‌وکار و توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه مبادرت ورزیده و نتایج خود را در قالب گزارش‌های کارشناسی منتشر و برنامه‌هایی را برای انجام اصلاح ساختاری در محیط کسب‌وکار به این کشورها تجویز می‌نمایند. در اینجا به تعداد محدودی از مهم‌ترین مؤسسات داخلی و خارجی که به پایش محیط کسب‌وکار ایران (البته سایر کشورها) اقدام نموده‌اند و از شاخص‌های آنها به‌طور خلاصه‌سازی شده برای انجام پژوهش حاضر بهره‌برداری شده است اشاره می‌نمایم:

۱۳-۱. گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی (DB)^۱

این گزارش توسط نهاد بین‌المللی تأمین سرمایه (IFC) به‌عنوان بازوی توسعه بخش خصوصی بانک جهانی تهیه شده و شامل ۱۰ شاخص سهولت شروع کسب‌وکار، سهولت اخذ مجوزها و موافقت‌های کسب‌وکار، سهولت دریافت انرژی (برق)، سهولت ثبت اموال شرکت، نحوه و روند جذب اعتبار، میزان حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاران، نحوه و میزان پرداخت مالیات، فرایندهای تجارت فرامرزی، ضمانت اجرایی قراردادها یا کارایی دادگاه در حل و فصل اختلافات تجاری و سهولت استخدام و تعطیل نمودن کسب‌وکار می‌باشد که بر محیط اداری و قانونی کشورها دایر می‌باشند.

۱۳-۲. گزارش رقابت‌پذیری اقتصادهای جهان

مجمع جهانی اقتصاد (WEF)^۲ بیش از ۳ دهه است که بر رقابت‌های اقتصادی در سراسر جهان نظارت می‌نماید و مسئولیت برگزاری اجلاس اقتصادی داووس را هم برعهده دارد که از مهم‌ترین

1. Doing Bussines
2. World Economic Forum

گردهمایی‌های رهبران اقتصادی و سیاسی جهان است، اما انتشار گزارش "رقابت‌پذیری اقتصادهای جهانی" ابتکاری است که از سال ۲۰۰۶ آغاز گردیده است. در این گزارش عواملی نظیر توسعه پایدار، میزان رفاه و توان کشورها در فروش محصولات داخلی از فاکتورهای تأثیرگذار در تعیین رتبه کشورها است و از این رو در بسیاری موارد آن را کامل‌ترین گزارش اقتصادی پایش کشورها می‌دانند.

۱۳-۳. شاخص آزادی اقتصادها (EFI)^۱

بنیاد هریتیج یک مؤسسه تحقیقاتی و مطالعاتی است که از سال ۱۹۷۵ با کمک روزنامه وال‌استریت ژورنال به محاسبه رتبه کشورها از نظر آزادی اقتصادی پرداخته و نتایج را به صورت سالیانه منتشر می‌نماید. این شاخص در مجموع از ۴۱ مؤلفه تشکیل شده که شامل آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، آزادی از مداخلات دولتی، آزادی از فساد و موارد مشابه دیگر است.

۱۳-۴. شاخص اقتصاد آزاد جهان

مؤسسه فریزر^۲ در کانادا قرار داشته و یک مؤسسه سیاست‌گذاری عمومی است. این مؤسسه از سال ۱۹۸۶ اقدام به انتشار گزارشی به منظور تعیین آزادی اقتصادی کشورها نموده که مقدار آن برای هر کشور تابع ۵ زیرشاخص شامل ساختار دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و مقررات است.

البته تعداد شاخص‌ها و گزارش‌های بین‌المللی بیشتر از موارد فوق بوده، اما در پاره‌ای از آنها رتبه و وضعیت ایران بررسی نمی‌گردد. در کشور نیز مطالعات و پایش‌های متعددی در خصوص سنجش محیط کسب و کار و شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به انجام رسیده است، از جمله طرح آمایش صنعت و معدن که در راستای اجرای ماده (۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور از سال ۱۳۸۷ کلید خورد و وزارت صنعت، معدن و تجارت متولی شناسایی نقاط ضعف، قوت‌ها و ایجاد توازن از طریق اجرای صحیح برنامه‌های توسعه صنعتی و معدنی بر مبنای مزیت‌ها و با شناسایی نقاط گلوگاهی در مسیر سرمایه‌گذاری هر استان گردید. همراه با این، مطالعات متعددی نیز توسط جامعه علمی و دانشگاهی کشور و نهادهای دولتی و عمومی به انجام رسیده که بررسی موردی آنها مستلزم انجام پژوهشی مجزاست.

با مطالعه منابع مذکور در نهایت مهم‌ترین مشکلات و موانع ساختاری و اجرایی که موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور می‌گردند را در ۱۴ مؤلفه زیر خلاصه و میزان

1. Economic Freedom Index
2. Fraser Institute

- اهمیت هر یک از آنها را از طریق گردآوری نظر جامعه آماری برآورد خواهیم نمود.
- تعدد، بی‌ثباتی و نامتناسب بودن بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کشور با شرایط جهانی صنعت
 - رانت‌جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه سرمایه‌گذاری صنعتی
 - عدم تعهد و پایبندی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی به اجرای صحیح قوانین
 - بی‌ثباتی در شاخص‌های اقتصاد کلان به‌ویژه تورم و نرخ ارز
 - بهره‌وری پایین و عدم رقابت‌پذیری قیمت تمام‌شده تولیدات داخلی با نمونه‌های مشابه خارجی
 - بالابودن نرخ مالیات‌ستانی از بخش صنعت به دلیل شفافیت فعالیت‌های این بخش
 - محدودیت ارتباطی با کشورهای دیگر به‌منظور ورود دانش فنی و ماشین‌آلات جدید در بخش صنعت
 - توسعه نیافتگی بازار سرمایه و بوروکراتیک و رانته بودن تأمین مالی از طریق شبکه بانکی کشور
 - بالابودن نرخ سود تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری بدون در نظر گرفتن حاشیه سود صنایع
 - فقدان قوانین کار مناسب به نفع کارگر و کارفرما در توسعه بخش صنعت
 - فقدان زیرساخت‌های مناسب در بخش‌های تأمین انرژی، راه‌ها و فناوری اطلاعات
 - فقدان فرهنگ‌سازی مصرف‌کالای داخلی در جامعه
 - فقدان مشوق‌های تولیدی مناسب به‌منظور حمایت از بخش صنعت
 - وابستگی تولیدات صنعتی به ماشین‌آلات، مواد اولیه و دانش فنی وارداتی

۱۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها به روش تحلیل سلسله مراتبی

امروزه مدل‌ها و روش‌های کمی در حل مسائل نقش اساسی دارند. استفاده موفق از روش‌های کمی می‌تواند در زمان مناسب به راه‌حل‌های دقیق، قابل اطمینان و اقتصادی منجر گردد. در این میان AHP پاسخی به نیاز بشر برای بررسی مسائل کیفی است که معیاری برای اندازه‌گیری ندارند و همواره در تصمیم‌گیری‌های ما همراه مسائل کمی ظاهر می‌شوند. این روش همچنین پیچیدگی‌های ناشی از تأثیر عوامل مختلف بر مسئله را با تمرکز مرحله به مرحله بر این عوامل و سپس ترکیب نمودن نتایج این بررسی‌ها حل می‌نماید. در واقع AHP یک مسئله چند بعدی را به مسئله‌ای یک بعدی تبدیل و تصمیم‌گیری‌های پیچیده را قابل فهم و مقایسه نماید. به همین ترتیب می‌توان از این خاصیت AHP برای ترکیب و یکسان نمودن نظرات پراکنده افراد با توجه به اهمیت نظر آنها استفاده نمود. این روش نه تنها اهمیت، برتری و شباهت چیزها را با هم مقایسه می‌کند میزان قدرت این عوامل را نیز به ما نشان می‌دهد.

تشکیل ماتریس‌های مقایسه زوجی و تعیین وزن هر پارامتر به روش تحلیل سلسله مراتبی هم به شیوه محاسبه دستی و هم با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی که برای این منظور وجود دارند

امکان‌پذیر می‌باشد (نیکمردان، ۱۳۸۶). برای این منظور ابتدا می‌بایست معیارهای تصمیم‌گیری تعیین گردد و سپس با استفاده از داده‌های گردآوری شده توسط پرسشنامه، نرم‌افزار یک وزن اهمیت مشخص برای هر گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌ها ارائه شود که ارزش آن امکان رتبه‌بندی مؤلفه‌ها را فراهم می‌نماید. در بخش ۱۲ تحقیق حاضر، عوامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور در ۱۴ مؤلفه ارائه گردید. حال با توجه به مشابهت مفهومی و شکلی برخی شاخص‌ها و با توجه به محدودیت تعداد سقف مؤلفه‌ها در روش AHP با ترکیب شاخص‌ها که در مرحله طراحی پرسشنامه صورت پذیرفت تعداد شاخص‌ها به ۷ شاخص اصلی به شرح اطلاعات موجود در جدول (۱) کاهش یافت. در جدول زیر، وزن شاخص‌های مؤثر بر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران وجود دارد که داده‌های آن از تعداد ۳۱۷ پرسشنامه گردآوری شده از جامعه آماری مورد مطالعه استخراج و با استفاده از نسخه یازدهم نرم‌افزار Expert Choice به دست آمده است.

جدول ۱. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران

رتبه مؤلفه	ضریب وزنی مؤلفه	عنوان مؤلفه
۱	۰/۲۰۴	بی‌ثباتی در اجرا و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات مرتبط با صنعت
۲	۰/۱۸۱	مشکلات پرداخت‌های بخش صنعت (مالیات، حق بیمه، تعرفه گمرکی و عوارض)
۳	۰/۱۶۳	تبعات نوسان شاخص‌های اقتصاد کلان (از قبیل تورم و نرخ ارز) بر بخش صنعت
۴	۰/۱۴۰	عدم وجود محیط رقابتی در بخش صنعت (به دلیل دیوانسالاری، ارتشا و رانت‌جویی)
۵	۰/۱۲۱	تبعات مسائل سیاسی (در سطح بین‌المللی و داخلی) بر بخش صنعت
۶	۰/۱۱۷	مشکلات نظام تأمین مالی در بخش صنعت (اخذ وام‌های بانکی)
۷	۰/۰۷۴	ضعف فنی و عدم تأمین زیرساخت‌های اولیه استقرار واحدهای صنعتی

مأخذ: نتایج تحقیق.

همانگونه که جدول (۱) نشان می‌دهد با توجه به فراوانی عوامل اثرگذار بر ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی که تعدادی از آنها نیز پیش‌تر مطرح گردید داده‌های حاصل از پرسشنامه با توجه به ماهیتشان در ۷ مؤلفه اصلی خلاصه گردیده‌اند. بر این اساس، آنچه بیش از هر عاملی محیط کسب و کار فعالیت بنگاه‌های صنعتی را با مخاطره مواجه می‌سازد بی‌ثباتی در اجرا و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات مرتبط با صنعت است که موجب ایجاد احساس ناامنی برای سرمایه‌گذاران می‌گردد. تجربه سیاست‌گذاری‌های صنعتی در ایران نیز مؤید تحمیل آسیب‌های گوناگون ناشی از همین تغییرات قوانین و مقررات به متولیان بخش صنعت بوده است. به عنوان مثال، در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مقرر بود به دلیل افزایش قیمت حامل‌های انرژی که هزینه‌های گزافی را به تعداد زیادی از واحدهای صنعتی تحمیل نموده بود از محل عواید حاصل سهمی

به صنعت تخصیص یابد که در عمل هرگز محقق نگردید. همچنین، سلب مالکیت برخی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی همزمان با وقوع انقلاب اسلامی که موجب صدور آرایه‌ی در دادگاه‌های بین‌المللی علیه ایران شد از نمونه‌های بی‌ثباتی در نظام حقوقی کشور طی چند دهه گذشته است که موجب نوعی بی‌اعتمادی به حوزه صنعت کشور در عرصه جهانی گردیده‌است.

مشکلات کمی و کیفی پرداخت‌های بخش صنعت بابت مالیات، حق بیمه، تعرفه‌های گمرکی و عوارض مختلف به‌عنوان دومین مؤلفه اثرگذار بر افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری تعیین گردید. به‌طور کلی فعالیت‌های بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها شفاف‌تر است چراکه عموماً دارای شخصیت حقوقی، سرمایه‌گذاری فیزیکی، درآمد، فروش و سودهای مشهود بوده و دولت‌ها به‌راحتی می‌توانند مطالبات خود را از آنها وصول نمایند. از این رو گاهی دولت‌ها به‌عنوان مختلف نسبت به مالیات‌ستانی مضاعف از واحدهای صنعتی مبادرت می‌ورزند. در کشور ما نیز اکثریت قریب به اتفاق فعالیت‌های واسطه‌ای که مولد هم نیستند علیرغم برخورداری از سودهای سرشار از پرداخت مالیات معاف بوده و بازپرداخت هزینه‌های دولت بر دوش بخش تولیدی و از جمله متولیان صنعت می‌باشد. گزارش بانک جهانی درخصوص محیط کسب‌وکار جهانی در سال ۲۰۱۴ گویای نامساعد بودن وضعیت کشور در شاخص پرداخت مالیات است، به طوری که فرایند پرداخت مالیات اشخاص حقیقی و حقوقی مستلزم ۲۰ گام و صرف ۳۴۴ ساعت زمان در سال است که جایگاهی بهتر از ۱۳۹ میان ۱۸۹ کشور جهان را برای کشورمان رقم نمی‌زند (گزارش انجام کسب‌وکار جهانی، ۲۰۱۴).

شاخص‌های اقتصاد کلان ما طی چند دهه اخیر به‌دلیل ساختار وابسته به نفت بودجه دولتی در ایران و برخی مسائل دیگر چون سوء مدیریت‌ها و اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه کشور با نوسان‌های بسیاری مواجه بوده‌است. به‌دلیل ماهیت وابسته صنایع کشورهای درحال توسعه و از جمله ایران به واردات ماشین‌آلات و دانش فنی لازم از کشورهای توسعه‌یافته نرخ ارز عامل مهمی در تعیین میزان تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری صنعتی است، همچنین تورم به‌عنوان یک عامل اخلاک‌گر اقتصادی تصمیم‌گیری‌های بلندمدت را برای سرمایه‌گذاران دشوار می‌سازد. نرخ بیکاری نیز در تصمیمات دولت برای چگونگی ورود و خروج نیروها به صنعت بسیار تعیین‌کننده است و الزام دولت‌ها به حفظ نیروهای انسانی توسط بنگاه‌های تولیدی می‌تواند بر دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی به‌ویژه در صنایع کاربر بیفزاید. علاوه بر این، سایر شاخص‌های اقتصاد کلان نیز سرمایه‌گذاری صنعتی بخش خصوصی را با مشکل مواجه می‌سازند.

بوروکراسی یا به‌عبارتی دیوانسالاری بر ضابطه‌مند بودن و حکومت قانون بر امور بنا شده است. بوروکراسی در کشورهای توسعه‌یافته توانسته موجب پیشرفت و دگرگونی جامعه شود، با این حال همین امر

در بسیاری از کشورها به عامل بازدارنده بدل شده‌است. در ایران نظام اداری از ابتدا بر پایه قانون مدون و محکمی بنا نگردیده و این امر موجب برخورد سلیقه‌ای با مسائل شده‌است. امروزه در بسیاری از سازمان‌ها و ادارات دولتی و عمومی که صلاحیت ارائه خدمات و مجوزهای سرمایه‌گذاری را دارند شاهد بلا تکلیفی ارباب‌رجوع هستیم. در این پژوهش نیز عدم وجود محیط رقابتی ناشی از دیوانسالاری که به مسائل تبعی چون ارتشا و رانت‌جویی منجر گردیده در مؤلفه‌های مؤثر بر ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور رتبه چهارم را به خود اختصاص داده‌است. در گزارش محیط کسب و کار سال ۲۰۱۴ بانک جهانی ایران در شاخص سهولت شروع کسب و کار که دایر بر دیوانسالاری‌های اداری از ابتدای ظهور ایده تا تبدیل آن به یک کسب و کار است میان ۱۸۹ کشور مورد ارزیابی رتبه‌ای بهتر از ۱۰۷ را به خود اختصاص نداده‌است.

پیامدهای مسائل سیاسی بین‌المللی و داخلی بر بخش صنعت کشور در رتبه پنجم جای گرفته‌است. منظور از این مؤلفه ابعاد سیاسی و نه اقتصادی است که گاهی در عمل بسیار بر روی یکدیگر تأثیرگذار هستند. به عنوان مثال اقدام کشورها در تحریم یک کشور از جنبه سیاسی نگریسته می‌شود حال آنکه از طریق متأثر نمودن وضع عمومی اقتصاد می‌تواند بر شاخص‌های اقتصاد کلان آن کشور تأثیر بگذارد. اعمال نفوذ اروپا و ایالات متحده آمریکا در وضع تحریم‌های متعدد از جمله تحریم بانک مرکزی و محدود نمودن امکان مبادلات تجاری دیگر کشورها با ایران مشکلات متعددی را برای متولیان بخش صنعت کشور به وجود آورده‌است. همچنین در عرصه سیاست داخلی نیز تغییرات سطوح کلان مدیریتی کشور که به‌طور معمول به تغییر در سیاست‌گذاری‌ها و شیوه اعمال قوانین منجر می‌گردد دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور را متأثر می‌سازد.

سرمایه‌گذاری نیازمند تأمین منابع مالی لازم است. این تأمین مالی می‌بایست از طریق بازار سرمایه یا سیستم بانکی صورت پذیرد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم توسعه یافتگی بازار سرمایه به‌طور معمول تأمین مالی از طریق اخذ تسهیلات بانکی متداول‌تر است. در ایران سال‌های بسیاری به دلیل درآمدهای سرشار نفتی، تخصیص تسهیلات بانکی کم‌بهره برای تأمین نیاز مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش صنعت از سوی دولت به‌عنوان یک سیاست تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دستور کار قرار داشته و کمابیش همچنان استمرار دارد. با این حال محدودیت این منابع، کم‌بهره بودن آنها و عدم وجود ضوابط شفاف در تخصیص آنها، زمینه رانت‌جویی را فراهم نموده و در بسیاری موارد از این منابع در بخش‌هایی بجز صنعت (ساختمان و بازرگانی) استفاده می‌شود. لذا متولیان صنایع ناچارند به تأمین مالی از طریق وام‌های با بهره بالا روی آورند که موجب افزایش بهای تمام شده کالای تولید شده خواهد بود.

در نهایت، ضعف فنی و عدم تأمین زیرساخت‌های اولیه استقرار واحدهای صنعتی به‌عنوان آخرین مؤلفه اثرگذار بر ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران شناسایی گردید. از ابتدای فروش نفت تا به امروز همواره

جهت‌گیری قوانین مرتبط با اقتصاد و صنعت کشور بر جهت دادن منابع حاصل از فروش نفت به سوی تأمین زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور بوده و این موضوع در قوانین برنامه توسعه اول تا سوم اهمیت بیشتری یافته‌است. مزیت انرژی در کشور و وسعت سرزمینی موجب گردیده تأمین زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری در سطح نسبتاً قابل قبولی صورت پذیرد. با این حال به دلیل وجود مواردی از عدم تعهد مدیریت شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور و دستگاه‌های ذیربط در ارائه خدمات زیرساخت به واحدهای صنعتی مستقر در آنها همچنان تأمین زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری از دغدغه‌های متولیان سرمایه‌گذاری تلقی می‌گردد.

۱۵. نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهایی به منظور تعدیل آثار سوء ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران

سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که پس از مصرف دومین جزء بزرگ تابع تقاضای کل را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، به‌رغم مصرف که ثبات بیشتری دارد سرمایه‌گذاری ماهیت متغیری داشته و نسبت به عوامل محیطی بسیار حساس است. از این رو دولت‌ها سعی می‌نمایند به شیوه‌های گوناگون نسبت به توسعه جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی مبادرت ورزند. هرچند در مواردی بنگاه‌ها به امید کسب بازدهی بالا اقدام به سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر می‌نمایند، اما به‌طور کلی سرمایه‌گذاری فرایندی است که با ریسک و مخاطره سازگار نیست. در این شرایط دولت‌های توسعه‌گرا موظفند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و صنعتی را در محیط باثبات به انجام رسانند. حفظ ثبات یک سیستم اقتصادی نیز مستلزم ایجاد آرامش و شفافیت در نظام‌های حقوقی، اداری، سیاسی و توسعه روابط دیپلماتیک با سایر کشورهای جهان است. مطابق آنچه که در پژوهش حاضر گفته شد، عوامل متعددی در کاهش و افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در کشورها از جمله کشور ما مؤثرند که در بسیاری موارد می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق نسبت به اصلاح و تعدیل آنها اهتمام ورزید. در اینجا راهکارهایی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور ارائه می‌گردد. - با توجه به اینکه قانون مبنای همه فعالیت‌ها در جامعه است کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور پیش از هر تلاشی مستلزم بازبینی و اصلاح قوانین است تا بتواند به جای سرکوب و ایجاد سد در برابر فعالیت بخش خصوصی نقش بسترساز و مشوق فعالیت این بخش را ایفا نماید. از سوی دیگر، قانون در کنار تصویب می‌بایست از ضمانت اجرای لازم برخوردار باشد تا به اهداف مورد نظر دست یابد. لذا پیشنهاد می‌گردد ضمن بازبینی بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی و صنعتی تدابیری به‌منظور حسن اجرای قوانین از سوی مراجع ذیربط اتخاذ تا در عمل مهم‌ترین دغدغه فعالان بخش صنعت در کشور مرتفع گردد. پیشنهاد دقیق آنکه ظرفیت‌های ماده (۶۲) قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر

ایجاد کارگروهی به منظور بررسی قوانین و مقررات با رویکرد شناسایی قوانین دست و پاگیر و موجب اختلال در سرمایه‌گذاری و کسب و کار و انتشار کتاب سال با هدف کاهش بوروکراسی‌ها و افزایش شفافیت در صدور مجوزها و موافقت‌های سرمایه‌گذاری به خوبی به کار گرفته شود و دولت در تحقق آن اهتمام ویژه‌ای ورزد. همچنین، با توجه به گذشت بیش از ۲ سال از تصویب و ابلاغ قانون برنامه پنجم توسعه همچنان برگزاری نشست‌های شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی موضوع ماده (۷۵) آن قانون چندان شکل عملیاتی نیافته تا بتواند به اهداف متعالی خود در راستای تقریب دیدگاه‌های دولت و بخش خصوصی منجر گردد.

- وجود بوروکراسی‌های اداری پیچیده موجب بلا تکلیفی سرمایه‌گذاران گردیده است. این پیچیدگی‌های بسیار در قوانین و مقررات زمینه کاهش شفافیت و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور را فراهم نموده است. الزام دستگاه‌های اجرایی به شفاف‌سازی فرایندهای اداری و تسهیل در ارائه خدمات و پاسخگویی به متقاضیان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بالطبع به کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در کشور منجر خواهد شد. برای این منظور الزام دستگاه‌های اجرایی به ایجاد میز خدمت در محل دستگاه‌ها و همچنین الکترونیکی‌سازی ارائه خدمات به طیف مخاطبان خود و حذف ضرورت مراجعه مکرر افراد به دستگاه‌های اجرایی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش بوروکراسی‌های اداری ایفا نماید، همچنین دولت محترم می‌بایست بر عملیاتی نمودن ماده (۷۰) قانون برنامه پنجم توسعه مبتنی بر ایجاد پنجره واحد فعالیت‌های اقتصادی و حذف ضرورت استعلام‌های چندگانه و موازی به منظور صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی تأکید ویژه نماید.

- نوسان‌های شاخص‌های اقتصاد کلان به عنوان نشانه‌های بی‌ثباتی یک اقتصاد، حاوی پیام‌های معناداری از ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف است که توسط نهادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاران چند ملیتی به طور مرتب رصد می‌شوند. از این رو جهت‌گیری دولت در اجرای برنامه‌های اقتصادی خود باید به نحوی باشد که کمترین شوک و نوسان را در شاخص‌های اقتصاد کلان از جمله نرخ ارز و تورم ایجاد نماید و برای این منظور حفظ استقلال بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار پولی کشور و اعمال مدیریت صحیح در بازار پول و ارز می‌تواند نقش راهبردی مهمی در جهت کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور ایفا نماید، همچنین سیاستگذاری مناسب و اعمال نظارت فعال بانک مرکزی بر نحوه تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از اهمیت زیادی برخوردار است. تورم به عنوان عامل اختلالگر در فعالیت‌های اقتصادی به شدت بر دامنه ریسک‌های سرمایه‌گذاری در کشور افزوده است. از این رو دولت با سیاستگذاری صحیح و اعمال نقش تنظیم‌کننده می‌بایست در راستای تعدیل و مهار تورم ساختاری کشور اهتمام ویژه‌ای نماید.

- وجود رانت و نابرابری در دسترسی به امکانات و اطلاعات مورد نیاز جهت سرمایه‌گذاری از عارضه‌های مخربی است که لطمات بسیاری را بر محیط کسب و کار داخلی کشورهای در حال توسعه وارد نموده است. به طور قطع دولت می‌بایست در مبارزه با رانت به ویژه در بخش صنعت اهتمام ورزد. تصویب قوانین و مقررات ضد رانت و ایجاد حس برابری در جامعه می‌تواند مخاطرات سرمایه‌گذاری صنعتی را با کاهش چشمگیری مواجه سازد.

- یکی از مسائلی که ارتباط بسیار نزدیک با ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف دارد نحوه جهت‌گیری کشورها در مسائل سیاسی است. این جهت‌گیری هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی بر مخاطرات سرمایه‌گذاری بسیار تأثیرگذار است. در عرصه داخلی، پرهیز از برخورد جناحی و سلیقه‌ای در حوزه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و التزام به قانون و مصالح ملی در این زمینه مهم‌ترین راهکارهای کاهش آثار سوء مسائل سیاسی بر محیط سرمایه‌گذاری صنعتی کشور است، همچنین در عرصه بین‌المللی اعتمادسازی و توسعه تعامل با دیگر کشورها به‌عنوان مهم‌ترین راهکار قلمداد می‌شود.

- اصلاح نظام تأمین مالی و ارتقای جایگاه بازار سرمایه در کشور به‌جای وابستگی محض به منابع محدود بانکی به‌عنوان راهکاری ضروری برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور پیشنهاد می‌گردد.

- پایبندی دولت به تعهدات قانونی خود اعم از تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاران صنعتی، در صورت استقرار در نواحی و شهرک‌های صنعتی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور ایفا نماید.

منابع

- آهنگری، عبدالمجید و مسعود سعادت‌مهر (۱۳۸۷)، "رابطه ریسک و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران"، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال ۸، شماره ۳.
- اسلامی‌بیدگلی، سعید (۱۳۹۲)، "ریسک سرمایه‌گذاری در ایران"، تجارت فردا، ص ۴۷.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و بهروز هادی زنون (۱۳۸۲)، "استراتژی تجاری و توسعه صنعتی در ایران"، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۸۱، فصلی، فریدون (۱۳۷۳)، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ص ۶۰.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۹۰)، "موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۹.
- خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دورنبوش، رودریگر و استنلی فیشر (۱۹۸۵)، اقتصاد کلان، ترجمه محمد حسین تیزهوش تابان، تهران: انتشارات سروش.

شناسایی مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری... ۴۷

- رهبر، فرهاد، مظفری خامنه، فرشید و شاپور محمدی (۱۳۸۶)، "موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. شیرکوند، سعید (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر سنجش و بهبود محیط کسب و کار در ایران، واحد آموزش و انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، ص ۹۴.
- صامتی، مجید و بیتا فرامرزیور (۱۳۸۳)، "بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵.
- طبری، مجتبی و حامد محمدی (۱۳۸۷)، "موانع توسعه نظام اداری در کشورهای در حال توسعه"، پژوهشنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۸.
- کریم‌زاده، عباس (۱۳۸۸)، "بررسی موانع تولید و سرمایه‌گذاری در ایران"، پورتال نظام جامع اطلاع‌رسانی اشتغال کشور، سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان ایران، ص ۱.
- کمیجانی، اکبر و رامین مجاب (۱۳۹۰)، "رابطه نا اطمینانی تورم و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲.
- کندریک، تام (۱۳۸۸)، شناسایی و مدیریت ریسک پروژه، ترجمه مرتضی کشفیان ریحانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نیکمردان، علی (۱۳۸۶)، معرفی نرم‌افزار *Expert Choice 11*، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- وحدت‌کار، مهدی (۱۳۹۲)، بررسی و احصای الزامات بهبود محیط کسب و کار در ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار.
- هادیان، ابراهیم و رضا وهام (۱۳۸۹)، "تورم دائمی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران"، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۴.

Abla Abdel-Latif and Hubert Schmitz (2010), "The Politics of Investment and Growth in Egypt", Working Paper 546, Economic Research Forum, September, P. 2.

Baum, Andrew & Claudia Murray (2010), "Understanding the Barriers to Real Estate Investment in Developing Economies", Henley Business School, Reading University.

Heritage Report (2008), "Foundation Index of Economic Freedom".

World Bank (2014), "Doing Business", Comparing Regulation for Domestic Firms in 189 Economies, Co-Publication of the World Bank and the International Finance Corporation, P. 1980.

World Investment Report (2013), www.unctad.org



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی